

## پرتو حقوق بین‌الملل بر شبیه‌سازی انسان

امیرحسین رنجبریان\*

استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

زهرا سیف

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۳/۱۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۷/۱۵)

### چکیده:

قوت گرفتن امکان شبیه‌سازی انسان، به مفهوم تولید انسان جدید از طریق کپی ژنتیک یک انسان، نگرانی‌های اخلاقی و حقوقی فراوان در پی آورد. واکنش به این پدیده، منحصر به عرصه‌های ملی و قانون‌گذاری داخلی نماند و در سطح بین‌المللی نیز کوشش شد تا محدوده‌ای برای آن تعیین شود. به عنوان نخستین اقدام ضروری، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در اسناد متعدد ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسان را به تصویب رساندند. در خصوص شبیه‌سازی درمانی، به علت اختلاف نظرها، چنین ممنوعیتی به صراحت مطرح نشد. بنا به اهمیت مباحث شبیه‌سازی در نهایت موضوع در مجمع عمومی ملل متحد مطرح شد و گمان می‌رفت مجمع یک پیمان بین‌المللی در این باره تدوین خواهد کرد. اما به دلیل تداوم اختلاف میان دولت‌ها، اجماع برای یک کنوانسیون به دست نیامد و در نتیجه در سال ۲۰۰۵ فقط قطعنامه‌ای با عنوان «اعلامیه ملل متحد در باره شبیه‌سازی انسان» تصویب شد که نمی‌توان آن را راه حل جامع مسئله به حساب آورد.

### واژگان کلیدی:

شبیه‌سازی انسان - شبیه‌سازی مولد - شبیه‌سازی درمانی - حقوق بین‌الملل - حقوق بشر - کرامت انسانی - مجمع عمومی سازمان ملل متحد - یونسکو - سازمان بهداشت جهانی - شورای اروپا - اتحادیه اروپایی.

«امروز میدان عمل حقوق بین‌الملل بسیار گسترده است. موارد مداخله حقوق بین‌الملل از مسئله اولیه حفظ صلح فراتر رفته و تا همه موضوعات مربوط به زندگی بین‌المللی معاصر گسترش یافته است.»  
**(Malcom Shaw)**  
 «اغلب آنها که با قسمتی از حقوق بین‌الملل آشنایی دارند که به حوزه تخصص شان مربوط می‌شود، ... نمی‌توانند دریابند آن موضوعات مورد علاقه خاص ایشان، جزئی از یک نظام یکپارچه روابط حقوقی است.»  
**(Sir Robert Jennings)**

### مقدمه

حقوق بین‌الملل در دوره ما چنان گسترده دامن شده است که می‌توان گفت کمتر عرصه یا شأنی از زندگی بشر امروز از احاطه یا ورود حقوق بین‌الملل بیرون مانده است. گستردگی و تنوع محتوایی موضوعات حقوقی بین‌المللی از سه دهه پیش به این سوی، چنان رو به فزونی گذاشته است که به خاطر بنیانگذاران حقوق بین‌الملل که هیچ، حتی به نظر نمی‌آید به خیال حقوقدانان نام‌آور در اوایل قرن میلادی گذشته هم رسیده باشد. قیاس کنید سادگی و اجمال مطالب کتاب *حقوق بین‌الملل* نوشته نویسنده‌ای بزرگ چون Franz Von Liszt در سال ۱۹۱۲ را، که در عصر خویش از مهم‌ترین و کامل‌ترین نوشتگان در این زمینه بوده است، با کتاب‌های نگاشته شده زیر همین عنوان *حقوق بین‌الملل* طی سال‌های ۲۰۰۵ و پس از آن.

شاید این گستردگی از یک طرف و تمرکز خبررسانی در صحنه جهانی بر موضوعاتی معین و محدود از طرفی دیگر، سبب می‌شوند گاهی بعضی مسایل مهم جدید که پیش می‌آیند و در عرصه حقوق بین‌الملل هم جایی برای خود می‌یابند حتی از نظر متخصصان این رشته پنهان بمانند یا درباره آن، چنانکه در خور اهمیت موضوع است، گفتگوهای علمی در نگیرد.

یکی از مسایل نوپدید سال‌های اخیر که در حیطه حقوق بین‌الملل مطرح شد، شبیه‌سازی انسان است. پس از تولد نخستین گوسفند شبیه‌سازی شده و قوت یافتن همین امکان در مورد انسان یعنی *شبیه‌سازی انسان*، علاوه بر واکنش‌های علمی، نظری یا ابراز نگرانی‌های اخلاقی و حقوقی، در شماری از کشورها مقرراتی درباره منع یا اعمال محدودیت بر آن وضع شد. کشورهای پیشرفته صنعتی که این نوآوری مهم علمی نخست در آنجا به ظهور رسید، در این راه پیشگام بودند. تصویب مقرراتی برای ممنوعیت و یا اعمال کنترل بر این پدیده در این کشورها، نشانه ضرورت قانونمند کردن این پدیده بود. به عنوان مثال، انگلیس در ژانویه ۲۰۰۱، اقدام به تصویب قانونی به نام «شبیه‌سازی مولد انسان» در جهت منع اعمال همانندسازی انسان با هدف توالد و مجاز تلقی شدن شبیه‌سازی درمانی کرد. (Human Reproductive Cloning, Act 2001). یا در ۲۴ ژانویه ۲۰۰۲ در آمریکا قانونی با عنوان «منع شبیه‌سازی انسان و حمایت از تحقیقات راجع به سلول‌های بنیادی» به تصویب رسید (Human Cloning Ban and Stem Cell

گذشته‌اند.<sup>۱</sup> (Research Protection, Act of 2002). در دیگر کشورها هم مقرراتی مشابه از تصویب

اما به نظر می‌رسید نگرانی‌های متعدد که این پدیده، به لحاظ ارتباط با کرامت و هویت انسانی و اثر بر آینده بشر، در عرصه ملی و بین‌المللی در پی می‌آورد، تنها با وضع مقررات احتمالاً ناهماهنگ و گوناگون زدوده نخواهد شد. بلکه ممکن است ناهماهنگی در تبیین و تنظیم جنبه‌های حقوقی مربوط به این پدیده، موجب بروز مشکلاتی شود و چنانچه راه حل شایسته‌ای برای آنها اندیشیده نشود آسیب‌هایی را به جامعه بشری تحمیل نماید. از این رو دولت‌ها در رویارویی با این مسئله، به بهره‌مندی از ابزارهای حقوق بین‌الملل و به عبارت دقیق‌تر سازمان‌های بین‌المللی روی آوردند.<sup>۲</sup> این‌گونه بود که مسئله نزد چندین سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح گشت و فعالیت هر یک از این سازمان‌ها در این زمینه به تصویب اسنادی مهم انجامید. عناوین و محتوای این اسناد، خود گویای چند وجهی بودن این مسئله است.

در این مقاله، ما به بررسی چگونگی طرح موضوع در سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازیم که در واقع عمده‌ی فعالیت بین‌المللی برای تنظیم مقررات برای شبیه‌سازی از طریق آنها صورت گرفته است. از این منظر، می‌توان این فعالیت‌ها را بر آنچه که در سازمان‌های منطقه‌ای به ویژه اروپایی و در سازمان‌های بین‌المللی انجام گرفته است، تقسیم کرد. بدین لحاظ، پس از بررسی مختصر مصوبات سازمان‌های منطقه‌ای (الف)، با تفصیل بیشتر به اقدامات سازمان‌های بین‌المللی خواهیم پرداخت (ب). جمله‌ی این اقدامات را می‌توان پرتوافکنی حقوق بین‌الملل

۱. براساس آمار یونسکو، از سال ۱۹۹۷ که خبر شبیه‌سازی اولین پستاندار منتشر شد تا جولای سال ۲۰۰۴، ۳۰ کشور مقرراتی را به تصویب رسانده و یا فرمان‌هایی را صادر کرده‌اند که به طور صریح یا ضمنی شبیه‌سازی مولد انسان را ممنوع قلمداد می‌کند. به این معنی که ۲۳ کشور قانون خاص تصویب کرده و ۷ کشور تفسیر جدیدی از قوانین موجود خود ارائه نموده‌اند. حدود ۲۳ کشور هم در حال بررسی مقررات خود با هدف ممنوع نمودن شبیه‌سازی مولد انسان هستند و هیچ کشوری تاکنون این نوع از شبیه‌سازی را مجاز اعلام ننموده است. براساس این گزارش، ۵ کشور مقرراتی تصویب نموده‌اند که شبیه‌سازی درمانی را در شرایط خاص مجاز می‌شمارند. علاوه بر این ۴ کشور هم گزارش رسمی یا دستورالعمل رسمی مبنی بر امکان‌پذیر بودن آن منتشر نموده‌اند و ۹ کشور در حال بررسی مقررات فعلی خود در این باره هستند. (National Legislation Concerning Human Reproductive and Therapeutic Cloning, UNESCO, Paris July, 2004, p.7)

۲. برخی از صاحبان نظر، معتقدند که سازمان‌های بین‌المللی علاوه بر دیگر ویژگی‌ها، به دلیل برخورداری از شخصیت حقوقی، استقلال نسبی و قرارگرفتن میان دولت‌ها جنبه ابزاری هم دارند و برای اهداف مختلف به کار گرفته می‌شوند. از این دیدگاه، به خصوص آنها نقش کاتالیزور (آسانگر) را برای تماس و گفتگوی دولت‌ها، روشن کردن مواضع آنها درباره موضوعات مختلف و دست آخر مذاکره جمعی برای اتخاذ تصمیمات و انجام اقدامات جمعی ایفا می‌کنند. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:

Serge Sur, *Relations internationales*, 2e édition, Montchrestien, Paris, 2000, pp.306-310.

بر این پدیده به حساب آورد؛ بدان معنا که حقوق بین‌الملل به این زمینه تاریک-روشن و همزمان پُرخطر و پُرسود، تا حدی روشنائی بخشیده است.

### الف) اقدامات سازمان‌های منطقه‌ای

سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای معمولاً بر پایه نزدیکی جغرافیایی میان دولت‌ها و پیوندها و منافع سیاسی آنها بنیان گذاشته می‌شوند. این سازمان‌ها در موضوعات مختلف به اتخاذ موضع و گاه تنظیم قواعد حقوقی می‌پردازند و از این راه در شکل‌دهی به حقوق بین‌الملل و اجرای آن سهم می‌شوند. در میان این سازمان‌ها، به نظر می‌آید عمده‌ترین فعالیت‌ها را در سطح منطقه‌ای برای ساماندهی مسئله شبیه‌سازی شورای اروپا و اتحادیه اروپایی انجام داده‌اند.

#### ۱) شورای اروپا

تصویب کنوانسیون «حمایت از حقوق بشر و کرامت انسان راجع به کاربردهای علوم زیستی و پزشکی» در سال ۱۹۹۷ که به صورت خلاصه به آن کنوانسیون حقوق بشر و طب زیستی اطلاق می‌شود، یکی از مهم‌ترین اقدامات شورای اروپا در مورد مسئله شبیه‌سازی انسان است. این کنوانسیون نخستین سند الزام‌آور منطقه‌ای برای حمایت از حقوق بشر در برابر سوءاستفاده‌های ممکن از تکنیک‌های جدید پزشکی و زیستی به حساب می‌آید. در مقدمه این کنوانسیون آمده است که شورای اروپا در راستای دستیابی به وحدت بیشتر میان اعضایش از طریق حفظ و تحقق بیش از پیش حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و با اعتقاد به ضرورت محترم شمردن انسان و شناسایی اهمیت تضمین کرامت انسان، یادآوری می‌نماید: «استفاده نادرست از علوم زیست‌شناسی و پزشکی ممکن است منجر به اعمالی شود که کرامت انسان را خدشه‌دار نماید. لذا ضمن تاکید بر احترام به کرامت انسان، پیشرفت در این زمینه‌ها باید در راستای منافع نسل حاضر و نسل‌های آینده باشد و تحقق این هدف نیازمند همکاری‌های بین‌المللی است به نحوی که تمام بشریت از منافع حاصل از علوم زیست‌شناسی و پزشکی بهره‌مند شوند».

(Convention on Human Rights and Biomedicine, 1997, at: <http://conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/HTml/168.htm>).

به طور کلی، این کنوانسیون بدون اشاره مستقیم به مسئله شبیه‌سازی انسان با تعیین بعضی استانداردها، موانعی چند را بر سر راه سوءاستفاده از رویان انسان ایجاد می‌کند. به عنوان نمونه مطابق ماده ۱۳ کنوانسیون: «مداخله جهت اصلاح ژنوم انسان صرفاً می‌تواند برای اهداف پیش‌گیرانه، تشخیصی یا درمانی... صورت گیرد»؛ و یا ماده ۱۸ به صراحت مقرر می‌دارد: «... تولید رویان انسان برای اهداف تحقیقی ممنوع است». از عبارات این مواد می‌توان برداشت

کرد که به طور ضمنی، شبیه‌سازی انسان و استفاده آزاد از رویان برای اهداف مختلف ممنوع شده است.

یک سال پس از آن یعنی ۱۹۹۸، اعضای شورای اروپا با توجه به اهداف کنوانسیون حمایت از حقوق بشر راجع به کاربردهای علوم زیستی و پزشکی و به طور ویژه اصول مقرر در ماده یک ناظر به حمایت از کرامت و هویت همه انسان‌ها، پروتکل الحاقی به آن را نیز با عنوان ممنوعیت شبیه‌سازی انسان به تصویب رساندند.

در مقدمه پروتکل به صراحت تاکید شده است که شبیه‌سازی با کرامت انسان مغایرت داشته و استفاده از آن زندگی بشر را ازاری کرده و باعث تجاوز از حق معنوی افراد برای داشتن ژنوم یگانه می‌شود. طبق ماده نخست پروتکل الحاقی «هر گونه مداخله با هدف ایجاد انسانی که از لحاظ ژنتیک با انسان دیگر، اعم از زنده یا مرده، همسان باشد» ممنوع است. بند دوم همین ماده تصریح می‌کند که «از نظر این ماده، عبارت «انسانی که از لحاظ ژنتیک با انسان دیگر همسان باشد» یعنی انسانی که دارای همان مجموعه ژنتیکی هسته‌ای انسان دیگر باشد. در ماده ۶ پروتکل نیز تصریح شده است که «ابزار شدن انسان‌ها از طریق خلق انسان‌هایی که از لحاظ ژنتیک همگن هستند، مغایر با شان بشر و متضمن سوءاستفاده از بیولوژی و پزشکی است» (Additional Protocol to the Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of the Human Being, 1998. At: <http://conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/Html/168.htm>).

نکته حائز اهمیت در پروتکل این است که در آن هیچ گونه تفکیکی میان شبیه‌سازی درمانی و مولد صورت نگرفته است. به عبارت دیگر، اشاره‌ای به اهداف یا روش‌هایی که شبیه‌سازی برای آنها یا از طریق آنها صورت می‌گیرد، نشده است. به نظر می‌رسد تنها ملاک مورد توجه پروتکل، وجود مجموعه ژن‌های یکسان در هسته سلولی است. با این حال، گزارش توضیحی این پروتکل، به صراحت بیان می‌دارد که موضع ویژه‌ای درباره شبیه‌سازی سلول‌ها و بافت‌ها برای مقاصد تحقیقی - درمانی اتخاذ نشده و نباید مقررات این پروتکل به عنوان ممنوعیت تکنیک‌های شبیه‌سازی در زیست‌شناسی سلولی تلقی شود (Explanatory Report to the Additional Protocol).

## ۲) اتحادیه اروپایی

اتحادیه اروپایی به عنوان یکی از نیرومندترین سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای که در چهارچوب صلاحیت‌هایش دارای اختیارات فراوانی است، در قالب فعالیت‌های پارلمان و شورای خود، به بررسی ابعاد مختلف مسئله شبیه‌سازی انسان پرداخته و در این خصوص مصوباتی مهم دارد.

پارلمان در طی سه قطعنامه مصوب ۱۲ مارس ۱۹۹۷ (European Parliament, Resolution on Cloning, 1997) ۱۵ ژانویه ۱۹۹۸ (European Parliament, Resolution on Human Cloning, 1998)

و ۷ سپتامبر ۲۰۰۰ با عنوان شبیه‌سازی انسان این پدیده را مورد توجه قرار داده است. شورای اتحادیه نیز با صدور دستورالعمل راجع به حمایت قانونی از اختراعات بیوتکنولوژیک، قواعد و راهکارهایی را در این خصوص تنظیم کرده است.

## ۱-۲) پارلمان اتحادیه اروپایی

پارلمان در هر سه قطعنامه‌ی یاد شده، بر حفاظت از کرامت انسان و ارزش‌های انسانی که در بسیاری از قوانین اساسی مدرن ذکر شده است، تاکید می‌کند. به اعتقاد اعضای پارلمان، ضروری است که پیشرفت دانش در زمینه ژنتیک انسان با قرار گرفتن در مقابل اخلاق و محدودیت‌های اجتماعی متعادل شود. از دیدگاه این رکن اتحادیه اروپایی، این اجماع وجود دارد که مداخله در سلول‌های جنینی و شبیه‌سازی انسان تخطی از نظم عمومی و اخلاقیات است. بدین جهت، پارلمان خواهان ممنوعیت استفاده مستقیم یا غیرمستقیم از بودجه اتحادیه در چنین تحقیقاتی شده است. در قطعنامه سوم مصوب سال ۲۰۰۰، به طور مشخص از کمیسیون درخواست شده تا تضمین نماید که هیچ موسسه تحقیقاتی که به هر شیوه‌ای درگیر شبیه‌سازی رویان انسان است پولی از بودجه اتحادیه اروپایی برای فعالیت‌هایش دریافت نمی‌کند. (European Parliament, Resolution on Human Cloning, 7/September/2000. at: <http://www.hgalert.org/topics/cloning/epcloning.htm>).

نکته دیگر آنکه پارلمان، شبیه‌سازی انسان را به عنوان تولید رویان انسان دارای ترکیب ژنتیکی مشابه انسان دیگر، اعم از زنده یا مرده در هر مرحله‌ای از تحول، بدون هر گونه تفاوتی در مورد شیوه تحقق آن، تعریف می‌نماید. در واقع، از نظر پارلمان تفاوتی میان شبیه‌سازی برای اهداف درمانی و شبیه‌سازی برای اهداف مولد وجود ندارد. در همان قطعنامه سال ۲۰۰۰ تصریح شده است، شبیه‌سازی درمانی که شامل تولید رویان انسان برای اهداف تحقیقی است، مسائل غامض اخلاقی و مرز نادرستی در نرم‌های تحقیقی ایجاد می‌کند که مغایر با سیاست عمومی اتحادیه اروپایی است و لذا باید ممنوع شود. به علاوه، این قطعنامه از انگلستان دعوت می‌نماید تا در موضعش در خصوص شبیه‌سازی رویان انسان تجدید نظر نماید و طرح پیشنهادیش درباره جواز تحقیق با استفاده از رویان تولید شده از طریق انتقال هسته را مسترد نماید. همچنین این قطعنامه از تمام دولت‌های عضو می‌خواهد در محدوده صلاحیت سرزمینی شان قوانین الزام آور در جهت ممنوعیت تمامی تحقیقات در مورد هر گونه از اشکال شبیه‌سازی انسان تصویب و مجازات‌های کیفری را در صورت نقض این قواعد تعیین نمایند (European Parliament, Resolution on Human Cloning, 7/September/2000. p.3).

افزون بر آنچه گفتیم، قطعنامه سوم به دو ضرورت اساسی دیگر هم اشاره دارد. نخست توصیه اکید به ضرورت بهره‌گیری از روش‌های علمی جایگزین شبیه‌سازی است که در این باره لزوم

حداکثر تلاش سیاسی، قانونی، علمی و اقتصادی با هدف دستیابی به شیوه‌های جایگزین شبیه‌سازی سلول‌های جنینی، نظیر استفاده از سلول‌های بنیادی افراد بالغ و یا استفاده از سلول‌های بند ناف را مقرر می‌دارد. ضرورت دوم، توجه به اهمیت ممنوع ساختن شبیه‌سازی در سطح جهانی و لزوم اقدام هماهنگ برای این منظور از طریق سازمان ملل است تا شبیه‌سازی انسان به کلی ممنوع اعلام شود (European Parliament, Resolution on Human Cloning, 7/September/2000. p.4).

## ۲-۲) شورای اتحادیه اروپایی

شورای اتحادیه اروپایی در دستورالعمل راجع به حمایت قانونی از اختراعات بیوتکنولوژیک، که به منظور هماهنگ‌سازی قوانین دولت‌های عضو در تاریخ ۶ ژانویه ۱۹۹۸ به تصویب رساند، به طور کلی ثبت اختراعاتی را که بهره‌برداری از آنها با نظم عمومی یا اخلاق مغایرت دارد، ممنوع اعلام کرد. به علاوه در بند (الف) ماده ۶ دستورالعمل، به طور مشخص، فرایندهای شبیه‌سازی نفوس انسانی به عنوان یکی از مصادیق مغایر با اخلاق، غیرقابل ثبت اعلام شده است. (Directive 98/41/ Ec of the European Parliament and of the European Council, 1998, pp.13-21).

آن‌گونه که از اخبار منتشرشده در پایگاه اینترنتی اتحادیه برمی‌آید، تاکنون نیمی از دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی این دستورالعمل را وارد قوانین داخلی خود کرده‌اند و نیمی از آنها، به علت انتقادات و مخالفت‌هایی که از نظر اخلاقی با ثبت اختراعات بیوتکنولوژیک، به ویژه ثبت اجزاء بدن انسان ابراز می‌شوند، از تصویب آن خودداری نموده‌اند. (<http://europa.eu> (int/rapid/press Action, 2003).

به هر روی، از آنچه به اختصار گفتیم می‌توان نتیجه گرفت که به صورت کلی این دو سازمان مهم منطقه‌ای، چندان پذیرای این پدیده نبوده‌اند. بلکه گویی به دلیل هراس از آثار آن، یا یکجا هرگونه کوشش در این راه را منع کرده و حتی جنبه درمانی آن را هم رد کرده‌اند و یا حداکثر جواز شبیه‌سازی درمانی را در پرده‌ای از ابهام باقی گذاشته‌اند. ضمن آنکه به حیث اهمیت موضوع، خواهان طرح مسئله در سازمان ملل و تصمیم‌گیری جهانی درباره آن شده‌اند.

## ب) اقدامات سازمان‌های بین‌المللی

همان‌گونه که گفتیم، بروز و رشد روابط و پدیده‌های جدید در زندگی اجتماعی انسان، لاجرم به ظهور مفاهیم جدید می‌انجامد و به نوبه خود مجموعه این روابط، پدیده‌ها و مفاهیم نو، ناگزیر منجر به واکنش نظام‌های حقوقی نسبت به آنها و ایجاد تغییرات و نوآوری‌هایی در قوانین و مقررات مرتبط با آنها می‌شود.

در واقع، پیدایش امکان شبیه‌سازی انسان و انجام بسیاری از اقدامات نو و بعضاً حیرت‌انگیز در این زمینه، ضرورت تنظیم و کنترل این اقدامات را به منظور رعایت ملاحظات حقوق بشری آشکار کرد. بدین ترتیب بود که سازمان ملل متحد و دو کارگزاری تخصصی آن، که در دغدغه‌های حقوق بشری با یکدیگر اشتراک دارند، هر یک به نحوی خود را ناگزیر از مداخله در فرایند واکنش به این پدیده دیدند. در اینجا چگونگی روند طرح مسئله شبیه‌سازی انسان را ابتدا در یونسکو و سازمان بهداشت جهانی و سپس سازمان ملل متحد بررسی می‌کنیم.

### ۱) اقدامات یونسکو

اقدامات سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد در خصوص موضوع شبیه‌سازی را می‌توان در قالب این سه اعلامیه مورد بحث و بررسی قرار داد: اعلامیه جهانی ژنوم انسان و حقوق بشر، بیانیه مدیرکل یونسکو و اعلامیه جهانی بیواتیک و حقوق بشر.

#### ۱-۱) اعلامیه جهانی ژنوم انسان و حقوق بشر

پیش از اشاره به این اعلامیه، باید یادآوری کنیم که مقدمه اساسنامه سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، ضمن آنکه بر انتشار گسترده فرهنگ و آموزش انسان‌ها برای عدالت، آزادی و صلح به عنوان یک وظیفه مقدس تصریح می‌کند، وظیفه سازمان را پیشبرد و بهبود اهداف صلح بین‌المللی و رفاه مشترک بشریت از طریق روابط فرهنگی، علمی و آموزشی مردم جهان اعلام می‌دارد. بدین گونه اقدامات این سازمان با مسایلی مربوط به حقوق بشر و تحولات حقوق بین‌الملل در این زمینه همپونندی اساسی می‌یابد (D. Partan, 1983, p.316). همچنین نباید از یاد برد که در همین مقدمه، اساسنامه یونسکو اصول دموکراتیک، کرامت، برابری و احترام متقابل را اعلام و هر گونه «دکترین عدم برابری میان انسانها و نژادها» را مردود می‌داند. بر همین اساس، یونسکو در قطعنامه‌های متعدد، توسعه مطالعات اخلاقی در مورد نتایج پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی در زمینه بیولوژی و ژنتیک در چارچوب احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی را گوشزد می‌کند.

در خصوص موضوع بحث ما، کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۹۷ با توجه به اهمیت موضوع ژنوم انسان<sup>۱</sup> و مسائل مختلف که پروژه ژنوم انسان<sup>۲</sup> در حوزه‌های مختلف به ویژه

۱. ژنوم انسان عبارت است از ژن‌های انسانی موثر و ایجادکننده تمام رفتارها و تغییرات جسمانی بشر.

۲. پروژه «ژنوم انسان» به عنوان یک پروژه تحقیقاتی بین‌المللی، برای کشف و ضبط ساختار نقشه‌های فیزیکی و ژنتیکی ژنوم انسان طراحی شد؛ به نحوی که تولیدات علمی این پروژه حاوی منبع کاملی از اطلاعات درباره ساختمان و نحوه عمل DNA انسان باشد. این پروژه اولین بار در سال ۱۹۸۴ در کنفرانسی در Alta Ultra مطرح شد و تامین قسمتی از بودجه این پروژه را دپارتمان انرژی آمریکا بر عهده گرفت. در سال ۱۹۸۸ کنگره آمریکا رسماً اجرای پروژه ژنوم انسانی را از سال ۱۹۹۱ به



حوزه شبیه‌سازی انسان ایجاد کرد به بررسی ابعاد موضوع پرداخت و این‌گونه نتیجه گرفت که به رغم کاربرد گسترده نتایج تحقیق درباره ژنوم انسانی بر بهبود سلامتی افراد و بشر به طور کل، چنین تحقیقی لزوماً باید به طور کامل منطبق با کرامت انسان، آزادی و حقوق بشر باشد و همچنین ممنوعیت تمامی اشکال تبعیض مبتنی بر ویژگی‌های ژنتیک را محترم بدارد. از این رو، کنفرانس عمومی در راستای تحقق این مهم اقدام به تنظیم اصولی در قالب «اعلامیه ژنوم انسان و حقوق بشر» مشتمل بر ۲۵ ماده کرد.

این اعلامیه، تلاشی است ارزشمند در جهت پیشبرد احترام به برابری و کرامت انسانی و در بردارنده نکات مهم درخصوص ژنوم انسان و ارتباط آن با حقوق بشر و کرامت انسانی است. چرا که به نظر می‌رسد بیش از سایر شاخه‌های فعالیت‌های انسانی، موضوعات مربوط به ژنوم انسان به طور مستقیم به حساسیت‌های مذهبی و معنوی نه تنها گروه‌های مذهبی جهان بلکه به وجدان بسیاری از اشخاص، فارغ از گرایش‌های مذهبی‌شان آسیب وارد می‌کند (S.Rosenne, 2004, p.231).

#### ۱-۱-۱) ژنوم انسانی میراث بشریت

در ماده یک اعلامیه، ژنوم انسان شالوده وحدت اساسی تمام اعضای خانواده بشری، حیثیت ذاتی و تنوع آنها شناخته شده و در یک معنای نمادین از آن به عنوان «میراث بشریت» یاد شده است. براساس این اعلامیه، حیثیت ذاتی هر فرد باید فارغ از خصوصیات ژنتیک او مورد احترام بوده و افراد براساس خصوصیات ژنتیکی‌شان مورد تبعیض یا دیگر رفتارهای غیرانسانی قرار نگیرند. هم چنین تصریح شده است که خصوصیات ژنتیک منحصر به فرد اشخاص باید مورد احترام قرار گیرد.

---

مدت ۱۵ سال تصویب کرد. حدود بیست کشور از جمله انگلیس، فرانسه، آلمان و ژاپن نیز به این پروژه پیوستند. در نتیجه این پروژه تحقیقاتی، تعیین توالی بیش از ۹۰ درصد ژنوم انسان در فوریه سال ۲۰۰۱ به پایان رسید. اما هنوز بسیاری از ژن‌های انسان شناسایی نشده‌اند. یادآوری می‌شود که این مطالعه در پی آن است تا زمان ظهور ژن‌های انسان و کار هر یک از آنها را معین سازد. این دستاورد می‌تواند بر کشف علل بیماری‌ها، تاثیر شگرفی گذارده و مبنای تولید نسل جدیدی از داروها شود که بر ژن‌ها تمرکز دارند. به نقل از: ([http://www.biocenter.ir/index\\_files/HGP.htm/2005](http://www.biocenter.ir/index_files/HGP.htm/2005))  
و نصرت الله ضرغام، بیوتکنولوژی در سده بیست و یکم، تهران کمیسیون بیوتکنولوژی، شورای پژوهش‌های علمی کشور، فصل ۱۲.

## ۱-۲) پذیرش ضمنی تحقیق درباره ژنوم انسانی با رعایت حقوق بشر و منع

### شبیه‌سازی مولد

اعلامیه در عین آن که نیاز به تحقیق درخصوص ژنوم انسان را از نظر دور نداشته و با بیان این که آزادی تحقیق بخشی از آزادی اندیشه است، مقرر می‌دارد تحقیق، تشخیص و درمانی که در ارتباط با ژنوم افراد است، باید فقط بعد از ارزیابی دقیق و با در نظر گرفتن منافع و خطرات آن نسبت به سلامت فرد و براساس حقوق بین‌الملل صورت گیرد و در هر حال باید رضایت آگاهانه و آزادانه فرد قبلاً کسب شده باشد. به همین خاطر اعلامیه تأکید می‌کند چنانچه تحقیقات، مرتبط با ژنوم افرادی است که اهلیت قانونی لازم را برای ابراز رضایت ندارند، چنین اعمالی باید با در نظر گرفتن منافع مستقیم مربوط به سلامتی آنان و تحت شرایط حمایتی که قانون تجویز می‌کند، صورت پذیرد. تحقیقی که منافع مستقیم مورد نظر را در خصوص سلامتی فرد فاقد اهلیت در بر ندارد و هدف از آن کمک به افراد دیگری است که از همان نارسایی ژنتیک رنج می‌برند فقط به طور محدود و استثنایی در صورتی که کمترین خطر را برای فرد داشته باشد، قابل پذیرش است. به علاوه باید به موجب شرایطی که به وسیله قانون تجویز شده و مطابق با حمایتی که حقوق بشر از فرد می‌نماید، صورت پذیرد. ضمن آنکه که وضعیت طبیعی ژنوم انسان نباید به خاطر منافع مالی مورد دستکاری قرار گیرد (مواد یک الی هشت اعلامیه).

بخش سوم این اعلامیه هر گونه تبعیض براساس خصوصیات ژنتیکی افراد که بر حقوق اساسی، آزادی و حیثیت آنان موثر باشد را مردود شناخته و لازم می‌داند که در هر تحقیقی اطلاعات ژنتیک افراد بر طبق قانون، محرمانه تلقی شود. به علاوه مقرر می‌دارد خساراتی که احیاناً در اثر تحقیقات متوجه ژنوم افراد می‌شود باید جبران گردند. اعلامیه در مهم‌ترین مواد خود، یعنی مواد ۱۰ و ۱۱ تصریح می‌کند که در هر تحقیق مربوط به ژنوم انسان به خصوص در زمینه‌های بیولوژی، ژنتیک و پزشکی باید بیشترین احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و حیثیت افراد و گروه‌ها مدنظر قرار گیرد.

ماده ۱۱ به طور خاص به مسئله شبیه‌سازی پرداخته و مقرر می‌دارد نباید اعمالی که مغایر کرامت انسان هستند، نظیر شبیه‌سازی مولد انسان مجاز شمرده شوند.

دو سند دیگری که از نظر خواهیم گذرانند، تأکیدی دوباره بر همین ضرورت، یعنی رعایت کرامت انسانی در این گونه پژوهش‌های علمی هستند.

**۲-۱) بیانیه مدیرکل یونسکو**

در سال ۲۰۰۳ «کویی شیرو ماتسورا» مدیر کل سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد، با صدور بیانیه‌ای انجام هر گونه شبیه‌سازی انسان را محکوم کرد و خواستار مقابله با این امر شد. در این بیانیه، مدیر کل یونسکو اعلام می‌دارد که صرف‌نظر از امکان یا عدم امکان شبیه‌سازی انسان، باید هر چه زودتر نسبت به ممنوعیت آن در بعد ملی و بین‌المللی اقدام کرد. به اعتقاد وی شبیه‌سازی انسان در هیچ‌یک از ابعاد علمی و اخلاقی قابل قبول نیست و با توجه به این که منزلت بشری را خدشه‌دار می‌نماید، باید با آن مقابله کرد.

از نظر مدیرکل یونسکو شبیه‌سازی انسان یک عمل جنایی است و چیزی جز ترس و وحشت به همراه ندارد. وی در پایان بیانیه‌اش از همه مسئولان سیاسی دولت‌ها، جوامع علمی، روشنفکران و حقوقدانان بین‌المللی می‌خواهد که برای تهیه و تصویب قانون ممنوعیت شبیه‌سازی اقدام نمایند (<http://portal.unesco.org>).

به فراخور چنین زمینه‌ای بود که اعلامیه جهانی بیواتیک «اخلاق زیستی» و حقوق بشر در سال ۲۰۰۵ از تصویب یونسکو گذشت.

**۳-۱) اعلامیه جهانی بیواتیک و حقوق بشر**

نخست اشاره وار این را بگوییم که تعدد و پیچیدگی مسایل انسانی، در هر دوره تلاش بشر را برای توجه به مسایل «اخلاقی» بیشتر کرده است. به لحاظ تاریخی می‌توان گفت، جهت‌دهی اخلاقی به حوزه مطالعات در علوم زیستی که به بیواتیک یا همان «اخلاق زیستی» معروف شده است، از سال‌های دهه ۱۹۷۰ در میان روشنفکران و تصمیم‌گیران سیاسی کشورهای غربی مطرح شد. هدف اینان از طرح اخلاق زیستی این بود که میان علوم انسانی و علوم طبیعی ارتباط ایجاد کرده تا بتوانند مبانی رفتاری علوم پزشکی، حیوانی و گیاهی را با مبانی هنجاری و ارزش‌های اخلاقی مورد بررسی قرار دهند. (نگاهی به مبانی «اخلاق زیستی»، ۱۳۸۵) از جمله مسایلی که در دهه اخیر در حوزه اخلاق زیستی طرح شد، مسئله شبیه‌سازی انسان و پیامدهای آن است.

بر همین اساس، در «اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر» که در سال ۲۰۰۵ به تصویب یونسکو رسید، لزوم حفاظت از نسل‌های آینده و ساختار ژنتیک انسان‌ها نیز مطرح شد (Universal Declaration on Bioethics and Human Rights) در مقدمه این اعلامیه می‌خوانیم که جنبه‌های اخلاقی مربوط به پیشرفت‌های سریع علوم باید با در نظر گرفتن احترام به کرامت انسانی و احترام جهانی برای پیشبرد حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مورد بررسی قرار گیرند؛ و اینکه تنظیم اصول پایه‌ای جهت پاسخ مناسب به مسائل مناقشه‌برانگیزی که علم و تکنولوژی برای بشر ایجاد می‌نمایند

ضرورت و فوریت دارند. ضمن آنکه براین نکته تاکید می‌شود که حساسیت و واکنش اخلاقی باید بخشی کامل از فرآیند پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک باشد و به طور مشخص اخلاق زیستی باید در مورد چنین موضوعاتی نقش فعالی ایفا نماید.<sup>۱</sup>

از اصول قابل توجه این اعلامیه که به بحث ما باز می‌گردد، اصل حمایت از نسل آینده است. به موجب این اصل تاثیر علوم زیستی بر نسل‌های آینده، از جمله در ساختار ژنتیکی‌شان، نیاز به توجه ویژه دارد (ماده ۱۶). به عنوان نمونه برخی از متخصصان ژنتیک عقیده دارند که باید در جهت گسترش ژن‌های مثبت و حذف جمعیت ژن‌های معیوب حرکت کرد. اما نکته قابل تامل و توجه آن است که در خصوص این که چه صفاتی در انسان خوب و برترند و باید گسترش یابند و چه صفاتی نامطلوبند و باید از بین بروند اتفاق نظر وجود ندارد. نکته حائز اهمیت دیگر آن که از این منظر لازمه از بین بردن صفات نامطلوب در انسان‌ها، عقیم نمودن و یا از بین بردن جمعیت‌های حامل ژن‌های نامطلوب است. در حالی که چنین موضوعی به شدت در تعارض با حقوق افراد و نسل‌های آینده به حساب می‌آید. در واقع، به نظر می‌رسد اگر ژنتیک نتایج مثبتی به بار نیاورد و منجر به تبعیض و یا تولید انبوه انسان‌های مشابه گردد، یکی از بزرگترین اشتباهات جامعه انسانی به وقوع می‌پیوندد (ژنوم انسان و حقوق بشر، <http://www.zendagi.com/new-page-105.htm/2005>).

در ارزیابی اجمالی این اعلامیه می‌توان گفت که یونسکو با توجه به شتاب گرفتن پیشرفت‌های علمی که از جمله‌ی مهم‌ترین آنها شبیه‌سازی انسان است و احتمال بروز مسایل و چالش‌های انسانی ناشی از آن، توانسته است در قالب یک اعلامیه، اصول کلی را نسبت به همه موارد زیان‌بخش برای حقوق بشر تنظیم نماید.

۱. در مواد این اعلامیه، همین اهداف به بیان‌های مختلف بازگو می‌شوند و برای پیشرفت‌های علمی در این زمینه اصولی مقرر می‌شود. از مهم‌ترین اصول مقرر در اعلامیه، رعایت کرامت انسان و حقوق بشر است. در ماده ۳ به درستی تصریح شده است که کرامت انسان، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین باید به صورت کامل مورد احترام قرار گیرند. از جمله دیگر اصول می‌توان به اصل بیشترین سود و کمترین زیان اشاره کرد که به موجب اعلامیه در طی به کارگیری و پیشرفت دانش علمی، کاربرد پزشکی و تکنولوژی‌های کمکی، منافع مستقیم و غیرمستقیم برای بیماران، مشارکت‌کنندگان در تحقیق و سایر افراد تحت تاثیر باید به حداکثر رسیده و هر گونه زیان ممکن به چنین افرادی باید به حداقل برسد. اصل مهم دیگر، استقلال برای تصمیم‌گیری و اصل رضایت است. هر گونه مداخله پزشکی پیش‌گیرانه تشخیصی و درمانی تنها باید با رضایت قبلی، آزادانه و آگاهانه شخص درگیر، مبتنی بر اطلاعات کافی صورت گیرد. برگشت از چنین رضایتی توسط شخص درگیر در هر زمان و به هر دلیل باید ممکن باشد. همچنین در اعلامیه تاکید شده است که در به کارگیری دانش علمی، اعمال پزشکی و تکنولوژی‌های کمکی، آسیب‌پذیری انسان باید مورد توجه قرار گیرد. لذا افراد و گروه‌هایی با آسیب‌پذیری خاص باید مورد حمایت ویژه قرار گیرند و تمامیت فردی آنها مورد احترام باشد. به علاوه برابری اساسی تمامی افراد انسانی در کرامت و حقوق باید مورد توجه باشد به نحوی که به طور عادلانه با آنها برخورد شود. خلوت و محیط خصوصی اشخاص درگیر و همچنین محرمانه بودن اطلاعات شخصی‌شان باید مورد احترام قرار گیرد. (مواد ۳ الی ۱۱ اعلامیه).

## ۲- واکنش سازمان بهداشت جهانی (WHO) به پدیده شبیه‌سازی انسان

جا دارد پیش از بیان چگونگی واکنش سازمان بهداشت جهانی، به این نکته اشاره کنیم که مسئله سلامتی عمومی به عنوان یک از مسایل مرتبط با اهداف سازمان ملل متحد چندین بار در منشور ملل متحد تکرار شده است (مواد ۶۲ و ۵۷، ۱۳، ۵۵). بنابراین، طبیعی می‌نمود که تشکیل یک سازمان بین‌المللی که عهده دار وظایف بین‌المللی در این زمینه باشد به سرعت پیگیری، و به فاصله‌ای اندک از تاسیس سازمان ملل، اساسنامه کارگزاری تخصصی با نام سازمان بهداشت جهانی در ۲۲ جولای ۱۹۴۶ تصویب و در ۷ آوریل ۱۹۴۸ لازم الاجرا شود (C-H. Vignes & H.J. Schlenzka, 1983, pp.406-407). به ملاحظه این وظایف و در تلاش برای تأمین سلامت مردم سراسر جهان در بالاترین درجه ممکن (ماده ۱ اساسنامه سازمان)، سازمان بهداشت جهانی همزمان با آغاز انقلاب ژنتیک، از سال ۱۹۹۷ فعالانه درگیر ارزیابی ابعاد اخلاقی و اجتماعی تحولات بیوتکنولوژی و ژنتیک به دلیل تأثیرات عمده آنها بر سلامتی انسان شد. در این میان شبیه‌سازی به طور خاص، بسیار مورد توجه واقع شد و موضوع دو قطعنامه مجمع بهداشت جهانی به شماره‌های WHA 50.37 و WHA 51.10 قرار گرفت. بررسی این قطعنامه‌ها و سایر فعالیت‌های سازمان بهداشت جهانی در خصوص شبیه‌سازی انسان از این جهت اهمیت دارد که سازمان هرگونه شبیه‌سازی مولد انسان را قاطعانه مردود و ممنوع می‌داند، در عین حال که راه را بر تحقیقات دارای جنبه درمانی نمی‌بندد.

### ۲-۱) قطعنامه‌های مجمع بهداشت جهانی

مجمع بهداشت جهانی برای نخستین بار موضوع شبیه‌سازی انسان را در سال ۱۹۹۷ در قالب قطعنامه WHA 50.37 مورد بررسی قرار داد. در این اجلاس شبیه‌سازی انسان برای اهداف مولد مورد بحث و بررسی دقیق قرار گرفت و در نهایت مجمع به عنوان نتیجه مذاکرات اعلام نمود که «استفاده از شبیه‌سازی برای تکرار انسان به لحاظ اخلاقی غیرقابل قبول و مغایر تمامیت انسان و اخلاقیات است». در پی آن، پنجاه و یکمین مجمع بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۸، با تکیه بر قطعنامه بالا و با توجه خاص به اعلامیه جهانی یونسکو در خصوص ژنوم انسان و حقوق بشر و نیز پروتکل الحاقی به کنوانسیون پیش‌گفته شورای اروپا راجع به کاربردهای علوم زیستی و پزشکی، که هر دوی آنها بر ممنوعیت شبیه‌سازی انسان تصریح کرده‌اند؛ به علاوه با ملاحظه این که اطلاعات فعلی حاصل از مطالعات روی جانداران حاکی از نایمن بودن به کارگیری این شیوه برای اهداف مولد در مورد انسان است؛ و از همه مهم‌تر پیش‌بینی ناپذیری همه آثار پیشرفت در زمینه شبیه‌سازی و تهدید جدی امنیت افراد و نسل بعدی انسان، اقدام به تصویب قطعنامه‌ای با عنوان «مفاهیم اخلاقی، علمی و اجتماعی شبیه‌سازی در رابطه با

Ethical, Scientific and Social Implications of Cloning in (WHA 51.10) نمود «سلامت انسان»  
(Human Health, at: www.who.com)

اهم مواردی که توسط این قطعنامه مورد تصریح و تاکید قرار گرفته است عبارتند از:  
۱- شبیه‌سازی برای تکرار افراد انسانی به لحاظ اخلاقی غیرقابل قبول و مغایر کرامت انسان و تمامیت افراد می‌باشد.

۲- الزام دولت‌های عضو به اتخاذ اقدامات مناسب از جمله اقدامات حقوقی و قضایی برای ممنوعیت شبیه‌سازی با هدف دفاع از انسان‌ها.

علاوه بر موارد فوق، در این قطعنامه از دبیرکل خواسته شد تا گروهی را با هدف روشن ساختن مفاهیم و توسعه اصول کلی مربوط به چگونگی استفاده از شیوه‌های شبیه‌سازی غیرمولد، ایجاد نموده و به پنجاه و دومین مجمع بهداشت جهانی درخصوص اقدامات سازمان گزارش نماید.

#### ۲-۲) کار گروه منتخب دبیر کل و تنظیم اصول راهنما

طبق قطعنامه WHA51.10 دبیرکل سازمان می‌بایست یک کارگروه را ایجاد تا موضوع چگونگی شبیه‌سازی غیرمولد را بررسی کند. این کارگروه متشکل از کارشناسان مستقل و دولتی در مرکز سازمان بهداشت جهانی از ۱۲ تا ۱۴ اکتبر ۱۹۹۸ تشکیل جلسه داد تا گزارشی را به عنوان نخستین پیش‌نویس اصول راهنما و توصیه‌ها به WHO و دولت‌های عضو تهیه کند. دبیرکل از کارگروه خواسته بود برای ارزیابی کاربردهای فعلی و بالقوه شبیه‌سازی، نه تنها تکنیک‌های شبیه‌سازی بلکه محدوده کلی دستکاری ژن‌ها و تاثیرات آن بر سلامتی انسان را مورد بررسی قرار دهند.

حاصل کار، سند پیش‌نویس اصول راهنما شد که همانند دیگر اسناد مشابه ابتدای کلی بر ارزش‌های بنیادین نظیر کرامت، حقوق بشر و آزادی دارد و در بردارنده نکات زیر است:

۱) تحقیق و توسعه ژنتیک باید همراه با آموزش و بحث عمومی در میان تمامی بخش‌های مربوط جامعه صورت گیرد. چرا که درک نادرست از علم می‌تواند از سودمندی کاربرد علم ژنتیک در مورد سلامتی انسان بکاهد. به علاوه نگرانی‌های اخلاقی در این خصوص باید مورد بررسی جدی قرار گرفته و در هر دو سطح ملی و بین‌المللی دقت کافی صورت بگیرد.

۲) قانون‌گذاری شتاب‌زده یا زودتر از موعد درخصوص شاخه در حال رشد سریع ژنتیک، می‌تواند نتیجه معکوس دهد. لذا قانون‌گذاری و اصول راهنما باید مبتنی بر ارزیابی کامل و صحیح علمی و اخلاقی تکنیک‌های مربوط باشد. به علاوه قوانین و اصول باید به اندازه کافی کلی و عمومی باشند تا با تحولات و پیشرفت‌های جدید قابل تطبیق بوده و به صورت دوره‌ای مورد بررسی مجدد قرار گیرند.

۳) افراد حق حفظ کنترل بر داده‌های ژنتیک خودشان را دارند، لذا هر گونه دستیابی و استفاده باید از طریق رضایت، قرارداد یا قانون صورت گیرد. اطلاعات ژنتیک نباید به عنوان مبنایی برای امتناع از استخدام یا بیمه محسوب شود.

۴) اخلاق حرفه‌ای اقتضاء می‌کند یافته‌های تحقیقات پزشکی که دارای اهمیت برای سلامت عمومی هستند در نخستین فرصت منتشر شوند. دریغ نمودن چنین یافته‌هایی برای اهداف مالی یا سایر اهداف شخصی مغایر اخلاق حرفه‌ای است.

۵) مداخلات ژنتیک در خصوص انواع غیرانسانی ممکن است به صورت عمده منجر به توسعه و بهبود سلامت انسان و رفاه او شود. با این حال، اطلاعات بیشتر مستلزم دستیابی به نتایج مورد نظر در خصوص خطرات و منافع حاصل از این امر است. لذا تحقیق و توسعه باید ادامه یابد اما، مراقبت و بازنگری مداوم زیان‌های بالقوه هم امری ضروری است.

۶) اگر چه مداخلات ژنتیک وعده‌هایی عظیم برای بهبود سلامتی انسان ارائه می‌کند، اما باید مراقب بود تا مبادا این مداخلات منجر به تبعیض نژادی، بدنام‌سازی، تبعیض یا توسعه سیاست‌های اجتماعی ظالمانه شود.

۷) همان‌طور که در قطعنامه WHA 51.10 ذکر شده «... شبیه‌سازی برای تکرار افراد انسانی به لحاظ اخلاقی غیرقابل قبول است و مخالف کرامت و تمامیت انسان محسوب می‌شود». بررسی جزئیات ملاحظات اخلاقی، علمی، اجتماعی و حقوقی که مبنای فراخوان ممنوع نمودن شبیه‌سازی مولد است، باید ادامه یابد.<sup>۱</sup>

این گزارش در سال ۱۹۹۹ در اجلاس پنجاه و دوم مجمع توسط دبیر کل ارائه شد و مورد تأیید دولت‌های عضو قرار گرفت.<sup>۲</sup>

(Cloning in Human Health, Report by the Secretariat Fifty- Second World Health Assembly, A52/12, at: [www.who.com](http://www.who.com))

۱. دیگر اصول راهنما عبارتند از: ۱- شبیه‌سازی DNA، ژن‌ها و سلول‌ها در اموری نظیر تحقیق، پیوند، ساخت واکسن‌ها، داروسازی و محصولات تشخیصی برای مدت زمان طولانی بدون نتایج منفی اخلاقی و پزشکی مورد استفاده قرار می‌گیرند. با این حال، ضمن توجه به تضمین‌های موجود، آنها باید در رابطه با پیشرفت کاربردها و تکنیک‌های جدید مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند؛ ۲- هرچند ممکن است به موجب پیشرفت تکنیک‌های شبیه‌سازی برای تولید بافت‌ها و ارگان‌های انسان از سلول‌های غیرجنسی، منافع درمانی عمده‌ای به دست بیاید، اما محققان باید متعهد به انجام اعمالشان در محدوده‌ای باشند که شامل شبیه‌سازی مولد انسان نشود. به علاوه فعالیت‌هایشان را در راستا و مطابق با الزامات حقوقی و اخلاقی توسعه دهند.

۲. گفتنی است که بنابر اصول و توصیه‌های مذکور، سازمان بهداشت جهانی به انجام موارد زیر متعهد می‌شود: ۱) استقرار و ایجاد یک مرکز ژنتیکی واحد در چارچوب سازمان، جهت انجام توصیه و ارائه حمایت نسبت به دولت‌های عضو در زمینه توسعه سلامتی، تحقیق، آموزش و پرورش و اصول اخلاقی؛ ۲) نظارت بر پیشرفت‌ها و حمایت از دولت‌های عضو جهت برقراری اقدامات ضروری حقوقی و قانونی با هدف ممنوعیت شبیه‌سازی انسان برای اهداف مولد؛ ۳) بازنگری و ارزیابی تحولات تکنیکی اخیر در زمینه تولیدمثل کمکی و الزامات اخلاقی و اجتماعی آن.

### ۲-۳) فعالیتهای بعدی سازمان بهداشت جهانی

در سال ۲۰۰۰ در ادامهٔ فعالیتهای سازمان بهداشت جهانی، در خصوص نظم بخشیدن به شبیه‌سازی انسان، دبیر کل این سازمان اعلام کرد که به اعتقاد او اکنون زمان گسترش و بسط نقش سازمان از توجه اولیه در خصوص شبیه‌سازی و موضوعات مربوط به آن، به مجموعه‌ای از فعالیتهای استراتژیک دربرگیرنده شاخه اخلاق زیستی فرا رسیده است. از دیدگاه وی با توجه به نیاز آشکار به مشارکت گذاشتن دانش و دیدگاه‌ها در میان دولت‌های عضو برای بهبود ساختار موجود، چنین فعالیتهای جدیدی مکمل فعالیت یونسکو و شورای اروپا محسوب می‌شود که در سال‌های اخیر به شکل تحسین‌برانگیزی ترویج فعالیت بین‌المللی در خصوص موضوعات اخلاق زیستی را برعهده داشته‌اند. (Cloning in Human Health, Report by the Director-General, Fifty-Third World Health Assembly, A53/15, at: [www.who.com](http://www.who.com))

با توجه به این گزارش دبیرکل، سازمان در راستای انتقال توجه از موضوع شبیه‌سازی به مسائل عمده در چارچوب اخلاق زیستی اقدام به تعیین بایدهای نهایی برای دولت‌های عضو در خصوص مسئله شبیه‌سازی کرد. از جمله مهم‌ترین این بایدها برقراری سیاست‌ها و مقررات سخت و دقیق در خصوص شبیه‌سازی مولد انسان و همچنین شیوه‌های موثر برای نظارت بر اجرای آنهاست.<sup>۱</sup>

(Reproductive Cloning of Human Beings, Status of the Debate in the United Nations General Assembly, Report by the Secretariat, Eb 115, INF. Doc./ 2 at: [www.who.com](http://www.who.com))

بر این اساس می‌توان گفت سازمان بهداشت جهانی با تعیین بایدها و اصول ضروری با هدف تمرکز بیش از پیش بر شاخه جدید اخلاق زیستی، در همان حال که بررسی مسئله شبیه‌سازی انسان را به طور خاص- با توجه به طرح این موضوع در سازمان ملل در سال ۲۰۰۱- به صورت موازی با فعالیت سازمان ملل ادامه داد، عمده فعالیت خود را بر اخلاق زیستی متمرکز کرد.

با وجود اهمیت فراوان مصوبات و اقدامات دو کارگزاری تخصصی ملل متحد، ضرورت رسیدگی به مسایل ناشی از شبیه‌سازی چنان بود که ایجاب می‌کرد خود سازمان ملل مستقیماً پای به این عرصه بگذارد.

۱. دیگر بایدهای مهم عبارتند از: توسعه سیاست‌ها و مقررات به علاوه کمک به سایر دولت‌های عضو برای توسعه و گسترش سیاست‌ها و مقررات خودشان؛ ایجاد یا گسترش کمیته‌های اخلاق ملی برای بررسی تمامی پروژه‌های تحقیقاتی پیشنهادی، جهت تضمین این موضوع که تمامی تحقیقات از سیاست‌ها، مقررات و قوانین ملی پیروی می‌کنند؛ کمیته‌ها باید متشکل از محققان، کارشناسان پزشکی، اجتماعی، حقوقی و مذهبی باشند؛ توسعه و اجرای برنامه‌های آموزشی در خصوص موضوعات مربوط به شبیه‌سازی انسان برای افزایش سطح آگاهی به خصوص در میان سیاست‌گذاران، مدیران برنامه‌ها و رهبران جامعه.



### ۳) اقدامات سازمان ملل متحد در مورد شبیه‌سازی انسان

#### ۳-۱) سرآغاز طرح موضوع در مجمع عمومی

فعالیت سازمان ملل متحد در خصوص مسئله شبیه‌سازی مولد انسان به طور خاص از سال ۲۰۰۱ با طرح درخواست فرانسه و آلمان مبنی بر تنظیم کنوانسیون در این خصوص آغاز گشت. این دولت‌ها با یادآوری ماده ۱۱ اعلامیه جهانی ژنوم انسان و حقوق بشر مصوب یونسکو که مقرر می‌دارد «اعمال معایر کرامت انسان، نظیر شبیه‌سازی مولد انسان، نباید مجاز شمرده شوند»، انجام مذاکره در خصوص تدوین سند حقوقی بین‌المللی برای ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسان را در سازمان ملل پیشنهاد کردند.

به نظر می‌رسد آن هنگام که پیشنهاد تنظیم کنوانسیون برای منع شبیه‌سازی مولد انسان، اولین بار در مجمع عمومی (کمیته ششم) مورد طرح و بررسی قرار گرفت، این‌گونه برداشت می‌شد که درباره محدود کنوانسیون اجماع وجود دارد. (General Assembly Resolution 56/93, 2001) اما در واقع این اجماع گسترده یا به ظاهر نبود مخالفت جدی، در نتیجه آشنایی اندک نمایندگان دولت‌ها با این موضوع بود. زیرا در همان بحث‌های اولیه، آشکار شد که این موضوع برای اعضای کمیته ششم بسیار نو و بدیع است. چرا که عناصر علمی و تکنیکی شبیه‌سازی به قدری پیچیده بودند که حقوق‌دانان بین‌المللی با آن آشنا نبوده و نمی‌توانستند به سرعت آن را درک کرده و بر آن چیره شوند. لذا پس از انجام بحث‌های علمی در بهار ۲۰۰۲ در پاییز همان سال، به دلیل بدیع بودن موضوع و عدم اعتقاد بسیاری از دولت‌ها به اهمیت و فوریت رسیدگی به این مسئله، بحث محدود به گروه کوچکی از دولت‌ها با دو دیدگاه کاملاً متمایز شد.

برخی از ممنوعیت جامع دفاع می‌کردند و گروهی دیگر به شدت با ممنوعیت شبیه‌سازی درمانی مخالف بودند. با این حال نمایندگان هر دو گروه، برای اثبات دیدگاهشان به حقوق بشر استناد کرده و توافق داشتند که تولید انسان از طریق شبیه‌سازی منجر به نقض فردیت و کرامت انسان می‌شود. اما در خصوص محدود ممنوعیت میان آنها اختلاف نظر وجود داشت. دولت‌های خواهان ممنوعیت کامل شبیه‌سازی از قبیل اسپانیا، واتیکان و آمریکا، رویان را انسان تلقی کرده به نحوی که او را نسبت به تمامی حمایت‌های انسانی، مستحق می‌دانستند. از دیدگاه آنان، تولید رویان به قصد از میان بردن آن بعد از پایان تحقیق، منجر به نقض حقوق بشر رویان می‌شود. نگرانی دیگر طرفداران ممنوعیت کامل، سرنوشت کودکان کلون شده بود که ممکن است حقوق ذاتی و سلب ناپذیر آنها در پی احساس ننگ اجتماعی یا ضربه روحی و عدم سلامتی ناشی از شبیه‌سازی، به درستی استیفا نشود. به علاوه از نظر آنها، شبیه‌سازی منجر به کاستن از ارزش شخصیت انسان می‌شود چرا که به سادگی می‌توان جایگزین آن را

تولید نمود. از جمله‌ی دیگر نگرانی‌های این گروه، وجود احتمال افزایش درخواست برای رویان انسان در پی شبیه‌سازی درمانی است که در نهایت رویان انسان را تبدیل به یک کالای تجاری می‌کند که از اساس مغایر با کرامت انسانی است.

در نتیجه، طرفداران ممنوعیت کامل، بنا به دلایل یاد شده و به لحاظ یکسانی تکنیک‌های همانندسازی درمانی و مولد، معتقد بودند در صورت مجاز بودن شبیه‌سازی درمانی به علت وجود رویان شبیه‌سازی شده اعمال کنترل بر روی آن چه که صورت می‌گیرد، غیرممکن خواهد بود. بدین ترتیب ناکارآمدی ممنوعیت جزئی اثبات می‌شود و ممنوعیت کامل بهترین گزینه برای محدود کردن شبیه‌سازی انسان خواهد بود (Arsanjani, 2006, pp.169-171).

در مقابل آنهایی که فقط از ممنوعیت شبیه‌سازی مولد حمایت می‌کردند از قبیل مالزی، ژاپن، آلمان، فرانسه، اوگاندا، روسیه و پرتغال، به صراحت یا به طور ضمنی، مفهوم «رویان» به عنوان موجود مستحق حمایت هم اندازه با یک انسان کامل را رد می‌کردند. طبق استدلال آنها، درمان IVF برخی از اشکال خاص کنترل بارداری و سقط جنین همگی منجر به از میان بردن رویان می‌شوند. از آنجا که این روش‌ها مجاز شمرده می‌شوند، توجیهی برای ممنوعیت شبیه‌سازی درمانی بر این مبنا وجود ندارد. به عقیده آنها همان‌طور که در قوانین ملی برخی از کشورها مقرر شده، می‌توان تحت شرایط خاصی شبیه‌سازی درمانی را طی ۱۴ روز اولیه‌ای که تخم بارور می‌شود، مجاز شمرد. چرا که ایجاد جنین برای استفاده از سلول‌های بنیادی آن، واجد منافع پزشکی مهم است و این کار باید قانوناً مجاز شمرده شود. به اعتقاد این گروه در شبیه‌سازی درمانی سلول‌های سالم به جای سلول‌های معیوب جایگزین می‌شوند، سلول‌هایی که در آنها از کد ژنتیکی خود فرد استفاده می‌شود و خطر واپس زدن آن بعد از جایگزینی بسیار کاهش می‌یابد. هدف این امر نیز، به هیچ وجه تولید کلون‌های انسانی نیست بلکه مقصود آن است که به شخص امکان بازیابی حیات و سلامتی کامل داده شود (National Reference Center for Bioethics Literature, 2004, Note 24).

به علاوه طرفداران ممنوعیت جزئی، به حق آزادی فکر و تحقیقات علمی هم استناد می‌کنند و معتقدند ممنوعیت کامل درخصوص تکنولوژی‌های خاص و آزمایش‌های علمی پاسخ غیرمنطقی به ترس از سوءاستفاده‌های بالقوه و احتمالی است. لذا از دیدگاه آنها بهترین راه برای جلوگیری از تولد کودکان کلون شده، یک معاهده جهانی است و تنها راهی که چنین معاهده‌ای مورد اقبال جامعه جهانی قرار بگیرد، محدود کردن آن به شبیه‌سازی مولد است. چرا که برخی دولت‌ها اعلام نموده‌اند که در مذاکراتی که هدف آن ممنوعیت کامل باشد، شرکت نخواهند کرد (Arsanjani, 2006, pp.169-171).

## ۲-۳) اعلامیه ۲۰۰۵

در فاصله پاییز ۲۰۰۲ تا سال بعد، اتفاقات مهمی رخ داد که منجر به آمادگی عمومی بیشتر برای پیگیری موضوع شد. از جمله این که، مسئله در سطح ملی در برخی کشورها و یا در سطح منطقه‌ای از جمله اروپا و سایر مناطق مورد بحث و آزمون قرار گرفت. با این حال درک مناسب‌تر از این پدیده، نه تنها منجر به اجماع میان نمایندگان نشد بلکه اصرار آنها بر مواضع خودشان شدت و گستردگی بیشتری یافت (Doc.A/C.6/58/L.2 and A/58/520). از این رو، تلاش‌ها در کمیته ششم طی سال ۲۰۰۳ برای کم کردن فاصله مواضع میان دو گروه به نتیجه‌ای نرسید (Doc. A/C.6/58/L.9).

در واقع، برآیند بحث‌ها حاکی از آن بود که دستیابی به اجماع مقدور نخواهد بود. لذا در آخرین روز اجلاس کمیته ششم در سال ۲۰۰۳، ایران به نمایندگی از دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی پیشنهاد تعلیق موضوع را تا سال ۲۰۰۵ مطرح کرد (Doc.A/C.6/58/SR.23). در نهایت با رای‌گیری در مجمع عمومی، تصمیم گرفته شد که موضوع تا سال ۲۰۰۴ مسکوت بماند. با این حال روند شروع دوباره مذاکرات در سال ۲۰۰۴ هم نوید بخش شکل‌گیری اجماع در خصوص موضوع نبود. در این سال هم دو طرح به رهبری کاستاریکا و بلژیک ارائه شدند که حاکی از استمرار دو دستگی آراء میان دو گروه بود. با این حال آنچه که در مورد آن اتفاق آراء وجود داشت، لزوم پرهیز از رای‌گیری در خصوص موضوع بود. این امر باعث شد که در آخرین روز اجلاس در سال ۲۰۰۴، ایتالیا پیشنهاد نماید که به جای تنظیم کنوانسیون، اعلامیه‌ای توسط مجمع عمومی سازمان ملل صادر شود. این پیشنهاد مورد استقبال قرار گرفت. کمیته ششم در ۱۸ فوریه ۲۰۰۵ برای بررسی اعلامیه پیشنهادی ایتالیا تشکیل جلسه داد. به موجب این اعلامیه دولت‌های عضو به ممنوعیت تمامی اشکال شبیه‌سازی تا جایی که مغایر با کرامت انسان و حفاظت از زندگی بشر است، فراخوانده می‌شدند. (Doc. A/59/516/Add.1)

با این حال، این متن هم منجر به اجماع میان دولت‌ها نشد و در نهایت کمیته ششم برای تصمیم‌گیری در خصوص مسئله، مجبور به رای‌گیری شد. نتیجه رای‌گیری در کمیته، تصویب اعلامیه با ۷۱ رای موافق در مقابل ۳۵ رای مخالف و ۴۳ رای ممتنع بود. متعاقب تصویب اعلامیه در کمیته، متن آن در تاریخ هشت مارس به مجمع عمومی ارائه شد و با ۸۴ رای موافق در مقابل ۲۴ رای مخالف و ۳۷ رای ممتنع به تصویب رسید. در تاریخ ۲۳ مارس ۲۰۰۵ مصوبه مجمع عمومی در مورد شبیه‌سازی انسان با عنوان «اعلامیه ملل متحد در خصوص شبیه‌سازی انسان» منتشر شد (A/RES/59/280).

### ۳-۲-۱) تحلیل محتوای اعلامیه

اعلامیه ملل متحد در خصوص شبیه‌سازی انسان شامل یک مقدمه در ۸ قسمت و ۶ بند است و لحنی بسیار کلی دارد. اعلامیه نه شبیه‌سازی انسان را تعریف می‌کند و نه به صراحت و به طور کامل همه انواع شبیه‌سازی انسان را ممنوع می‌کند. تنها ذکر صریح از شبیه‌سازی مولد انسان، در دومین پاراگراف مقدمه دیده می‌شود؛ این پاراگراف به ماده ۱۱ اعلامیه ژنوم انسان و حقوق بشر اشاره می‌کند که مقرر داشته «اعمال مغایر کرامت انسان، نظیر شبیه‌سازی مولد انسان نباید مجاز شمرده شود».

سایر پاراگراف‌های مقدمه در قالب عبارات کلی، از کاربرد «علوم زیستی» سخن می‌گویند. این مفهوم توسط بسیاری از نمایندگان که از رویکرد مضیق برای محدود کردن فحوی اعلامیه به «شبیه‌سازی انسان برای اهداف مولد» حمایت می‌کردند، مورد مخالفت قرار گرفت. از دیدگاه نمایندگان این دولت‌ها، مذاکرات هرگز درباره «علوم زیستی» به طور کل نبوده است. لذا کاربرد آن با توجه به این که اعلامیه حتی آشکار نکرده است این مفهوم به چه چیزی دلالت می‌کند، فاقد جایگاه است (Doc. A/C.6/59/L.27/Rev.1).

بند (الف) اعلامیه مقرر می‌دارد «دولت‌های عضو به تصویب اقدامات لازم برای حمایت کافی از زندگی بشر در مورد کاربرد علوم زیستی فراخوانده می‌شوند».

این بند به وسیله نمایندگانی که طرفدار ممنوعیت کامل شبیه‌سازی انسان بودند حمایت شد و مورد مخالفت نمایندگانی قرار گرفت که صرفاً حامی ممنوعیت شبیه‌سازی مولد بودند. در بند (الف) به هیچ وجه واژه «شبیه‌سازی انسان» ذکر نشده، اما به حمایت از «زندگی بشر» در رابطه با اعمال علوم زیستی اشاره شده است؛ عبارتی که قابلیت تفسیر گسترده را دارد. به عنوان مثال می‌توان آن را به عنوان ممنوعیت سقط جنین تفسیر نمود. لذا این بند به دلیل مغشوش نمودن مفهوم علمی «زندگی بشر» با مفهوم «بشر بودن» که موضوع حمایت حقوقی است، مورد انتقاد قرار گرفت.

در طول مذاکرات قید «کافی» برای تعدیل و اصلاح فعل «حمایت کردن» به نحوی که آن را از حمایت «کامل» متمایز نماید، اضافه شد. با این حال نمایندگانی که خواهان ممنوعیت جزئی شبیه‌سازی بودند آن را کافی ندانستند. آنها استدلال می‌کردند که شبیه‌سازی درمانی که شامل رویان انسان می‌شود، می‌تواند به لحاظ علمی به عنوان «شکلی از زندگی بشر» نه به عنوان «انسان بودن» که همواره موضوع حمایت قانونی است، تعریف شود. لذا آنها با عبارت بند (الف) که لازمه‌اش حمایت از تمامی «اشکال زندگی بشر» بود، موافق نبودند.

بند (ب) اعلامیه تنها بندی است که شبیه‌سازی انسان را ممنوع می‌کند، اما دربردارنده شرط بسیار مهمی است که مجاز بودن امور تحقیقاتی از آن مستفاد می‌شود. این بند مقرر می‌کند «دولت‌های عضو

برای ممنوعیت تمامی اشکال شبیه‌سازی انسان تا آن میزان که مغایر کرامت انسان و حمایت از زندگی اوست، فراخوانده می‌شوند.» در حالی که اشاره به «تمامی اشکال شبیه‌سازی انسان» گسترده و شامل هر دو نوع شبیه‌سازی است، به نظر عبارت «تا آن میزان که» انجام شبیه‌سازی برای درمان را از شمول ممنوعیت بیرون می‌برد. به عبارت دیگر بند (ب) تمامی اشکال شبیه‌سازی را تا آن اندازه که مغایر با کرامت انسان و حمایت از زندگی بشر است، ممنوع می‌کند. لذا شیوه‌هایی از شبیه‌سازی انسان که منطبق با کرامت انسان و حمایت از زندگی است می‌تواند به موجب بند (ب) مجاز شمرده شود (Arsanjani, 2006, pp.176-178).<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۲) تحلیل آرای دولت‌های موافق و مخالف

به طور کلی آراء و دیدگاه‌های مخالفان و موافقان اعلامیه، حاکی از آن است که به دلیل زبان کلی و نسبتاً مبهم اعلامیه بیشتر حامیان ممنوعیت جامع به نفع اعلامیه رای داده‌اند. در واقع، بیشتر دولت‌هایی که به لحاظ قوانین داخلی و قواعد مذهبی‌شان قائل به بهره‌مندی نطفه و جنین از حقوق انسانی هستند به شدت با تجویز شبیه‌سازی درمانی مخالف بودند و همین امر منجر به حمایت آنها از اعلامیه‌ای شد که هیچ‌گونه صراحتی برای مجاز شمرده شدن این نوع از شبیه‌سازی ندارد و در واقع می‌توان آن را به نحوی تفسیر نمود که شامل ممنوعیت هر دو نوع از شبیه‌سازی شود. در مقابل، اکثر دولت‌های طرفدار ممنوعیت جزئی که اغلب آنها از پیشگامان تحقیق درخصوص شبیه‌سازی درمانی محسوب می‌شدند و به دلیل منافع حاصل از این تکنیک خواهان عدم محدودیت کلی شبیه‌سازی بودند، به رهبری فرانسه و آلمان به مخالفت با اعلامیه پرداختند. چرا که به اعتقاد آنها اعلامیه قابلیت تفسیر موسع را دارد به گونه‌ای که ممکن است شامل شبیه‌سازی درمانی هم بشود. در حالی که دولت‌های مزبور غالباً بر این باورند که تا مراحل از رشد رویان، می‌توان از آن برای انجام تحقیقات و استخراج سلول‌های بنیادی بهره جست و ممنوعیت جامع، مانع از بهره‌مندی از منافع چنین تکنیکی است. در این میان، دولت‌هایی را که درخصوص اعلامیه موضعی خاص اتخاذ نکرده و به اصطلاح ممتنع بودند، می‌توان به دو گروه تقسیم نمود. گروهی از آنها که بخش عمده را تشکیل می‌دادند به دلیل نارضایتی از عدم دستیابی به اجماع درخصوص موضوعی چنین مهم از اعلام موضع امتناع کردند؛ چرا که در حقیقت اعلامیه آنها را اقتناع نمی‌کرد. از جمله

۱. در قیاس با بندهای یادشده، بندهای (ج)، (د) و (و) اعلامیه به نظر نکته قابل توجه و مناقشه‌برانگیزی ندارند. بند (ه) هم که هیچ ارتباطی با شبیه‌سازی انسان ندارد به پیشنهاد گروهی از دولت‌های آفریقایی در اعلامیه گنجانده شد. این بند، از دولت‌ها می‌خواهد، در تخصیص بودجه برای تحقیقات پزشکی، به موضوعات مبرم جهانی نظیر HIV/AIDS، سل و مالاریا که به طور خاص کشورهای در حال توسعه را دچار کرده است توجه نمایند.

دولت‌هایی که در این گروه جای می‌گیرند می‌توان به دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی شامل ایران اشاره کرد. گروه دیگر هم دولت‌هایی بودند که به علت در اختیار نداشتن اصل چنین تکنیکی و شاید به دلیل ناآشنایی با عواقب و نتایج حاصل از آن و به همین دلیل کم‌اهمیتی موضوع برایشان، موضعی خاص در قبال اعلامیه نگرفتند.

### ۳-۲-۳) تحلیل نتایج صدور اعلامیه

روند واکنش بین‌المللی در برابر پدیده شبیه‌سازی انسان، حکایت از اهمیت یافتن تدریجی مسئله نزد دولت‌ها دارد. در واقع، در پی مطرح شدن امکان تحقق شبیه‌سازی در مورد انسان، درهم ریختگی احتمالی اجتماعی، فرهنگی و حقوقی ناشی از آن، ابتدا اندیشمندان و حقوق‌دانان را به چاره‌اندیشی واداشت. سپس، تلاش‌های منطقه‌ای و جهانی برای منع یا نظام‌مند کردن شبیه‌سازی انجام گرفت که بیانگر توجه ویژه بسیاری از دولت‌ها به این پیامدهاست. به نظر می‌رسد نگرانی بین‌المللی درباره شبیه‌سازی انسان ریشه در دغدغه خاطر برای صیانت از انسان دارد. نگرانی‌هایی که در این باره در اسناد متعدد مربوط به شبیه‌سازی به ظهور رسیده‌اند، همانا نشانه توجه دولت‌ها به اهمیت حقوق انسان‌ها و ضرورت پاسداری از این حقوق است. تایید چندباره کرامت انسانی و حقوق گوناگون بشر در اسناد یاد شده، گویای این است که جامعه بین‌المللی از تأثیر شبیه‌سازی انسان بر حقوق و آزادی‌های بنیادین او آگاه است و قصد حمایت از این حقوق را دارد. اما آن چه که خود مایه نگرانی به نظر می‌آید، دوگانگی داوری نسبت به این مسئله در سطح جهانی است که تاکنون مانع از حصول اجماع در عرصه بین‌المللی شده است. اصرار گروهی از دولت‌ها بر ممنوعیت جامع شبیه‌سازی، منجر به مخالفت و ناهمسازی گروهی دیگر شده است که میان دو گونه شبیه‌سازی فرق می‌گذارند و خواهان تجویز همانندسازی درمانی و منع گونه مولد هستند.

طرفداران ممنوعیت جزئی شبیه‌سازی از آن جهت حاضر به همراهی با گروه مقابل نیستند که معتقدند در حیطه حقوق بشری که مخالفان شبیه‌سازی درمانی به آن استناد می‌کنند، «حق بر سلامتی» به عنوان یک حق اساسی بشری وجود دارد و از چنان جایگاهی برخوردار است که حتی برای اجرای دیگر حقوق بشری نیز ضروری قلمداد می‌شود. مطابق تعریف حق بر سلامتی، هر انسانی حق دارد از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی جهت داشتن یک زندگی با کرامت برخوردار باشد (زمانی، ۱۳۸۵، صص ۲۹ - ۳۰). یکی از اساسی‌ترین جلوه‌های حق بر سلامتی، که در بسیاری از معاهدات بین‌المللی از جمله در بند ۲ ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ نمایان شده است، لزوم درمان و کنترل بیماری‌ها است. بر این اساس حامیان شبیه‌سازی درمانی می‌پرسند که چگونه می‌توان این شیوه را که هدف آن درمان و شفای بیمارانی

است که به طرق دیگر درمان آنها غیرممکن یا پرهزینه است، ممنوع نمود؟ به عبارت دیگر، آنها معتقدند ممنوعیت جامع شبیه‌سازی منجر به نقض «حق بر سلامتی» به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر خواهد شد. به علاوه آنها بر این باورند که مخالفان شبیه‌سازی درمانی تنها از منظر جنینی که سلول‌های بنیادی او مورد استفاده قرار می‌گیرد به این شیوه می‌نگرند و آن را مغایر کرامت انسانی تلقی می‌کنند. در صورتی که باید توجه نمود که در برابر تخریب موجودی چند سلولی که چند روزی بیشتر از عمر او نمی‌گذرد، انسان بالغ و دارای کرامتِ مُسَجَلی وجود دارد که در معرض رنج، بیماری و نابودی قرار گرفته است (زمانی، ۱۳۸۵، صص ۳۵-۳۳). چه طور اهدای اعضا فردی که دچار مرگ مغزی شده برای نجات جان انسان زنده‌ای که نیازمند اعضای اوست مغایر با کرامت انسان شناخته نمی‌شود اما دریافت سلول‌های بنیادی رویان ۱۴ روزه، عملی ضد بشری قلمداد می‌شود. این نکته را هم باید گفت که حامیان شبیه‌سازی درمانی قائل به جواز مطلق این شیوه نیستند. چرا که همواره امکان سوءاستفاده از هر دانشی وجود دارد. از این رو، آنها پیشنهاد می‌کنند که در ضمن وضع مقرراتی برای بهره‌مندی از این تکنیک، مشروعیت استفاده از آن به رسمیت شناخته شود.

به هر حال، با قطع نظر از اختلافات میان دو گروه از دولت‌ها، آنچه به نظر مسلم می‌نماید، ضرورت مطلق و فوریت ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسان است که می‌توان گفت تا حدی به واسطه تلاش‌های بین‌المللی و به ویژه اعلامیه مجمع عمومی ملل متحد به آن نزدیک شده‌ایم. چه اینکه طبق متن اعلامیه ۲۰۰۵ همه دولت‌ها موظف به تنظیم قواعدی برای ممنوعیت شبیه‌سازی مولد هستند. این ممنوعیت، وجه اشتراک تمام دولت‌های حاضر در مذاکرات بود و همگی درباره لزوم ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسان به دلیل مغایرت آن با کرامت و حیثیت انسانی همداستان بودند. به دیگر سخن، درخصوص ضرورت ممنوعیت این گونه از شبیه‌سازی، به صورت ضمنی در میان تمامی اعضاء اجماع وجود داشت. اما آنچه که مانع از ابراز صریح آن شد، نبود اتفاق آراء درخصوص شبیه‌سازی درمانی بوده است. از این رو، برای حل کشمکش بر سر شبیه‌سازی درمانی، جستجوی مبانی مشروعیت یا عدم مشروعیت آن در حقوق بین‌الملل بشر ناگزیر می‌نماید.

روی هم رفته، به عنوان یکی از قطعنامه‌های - به گمان ما مهم - مجمع عمومی ملل متحد، این اعلامیه را می‌توان دارای همان آثار حقوقی دانست که حقوقدانان به طور کل برای قطعنامه‌های مجمع در نظر می‌گیرند. در واقع، اگر به حقوق بین‌الملل، به عنوان یک نظام حقوقی نگریده شود که دارای کارکرد تقنینی است؛ در محیط حقوقی بین‌المللی، قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد به ایجاد و تکامل هنجارهای این نظام می‌انجامد و بسته به محتوا و شرایط تصویب درجه‌ای از الزام‌آوری را به همراه می‌آورند. (G.Abi-Saab, 1987, pp.126-)

192&154-159&127) از این حیث، به نظر می‌آید مفاد این اعلامیه مجمع عمومی، بیان یک قاعده بین‌المللی است که طبق آن هرگونه شبیه‌سازی ناسازگار با کرامت انسانی ممنوع است.

### به عنوان نتیجه

بررسی اسناد بین‌المللی مورد بحث حاکی از آن است که عمده نگرانی‌های حامیان ممنوعیت جامع درباره قانونی شمردن شبیه‌سازی درمانی، بر دو گونه است: نخست اینکه تخریب سلول‌های رویان اولیه به منزله بی‌حرمتی به زندگی تازه تشکیل شده انسانی و نقطه آغازین حیات بشریت است. دوم آنکه بیم آن می‌رود که اگر تنها شبیه‌سازی مولد ممنوع گردد و شبیه‌سازی درمانی آزاد گذاشته شود، از آن جا که مراحل ابتدایی و تکنیک انجام هر دو کاملاً مشابه است، این آزادی مورد سوءاستفاده قرار گیرد و جنین‌هایی به منظور شبیه‌سازی انسان رشد داده شود.

در مقابل طرفداران شبیه‌سازی درمانی، در عین احترام و ارج گذاشتن به زندگی تازه آغاز شده در قالب رویان انسانی، بر این باورند که شأن انسانی و جایگاه حقوقی رویان چند روزه به هیچ وجه با یک انسان بالغ برابری نمی‌کند. بنابراین مشکلات اخلاقی ناشی از نابود شدن این رویان به مراتب سبک‌تر از آن چیزی است که مخالفان ادعا می‌کنند. نکته مهم دیگر اینکه، پرورش این رویان‌ها به منظور تخریب صورت نمی‌گیرد بلکه به منظور خدمت به زندگی انسان‌ها و پیشرفت دانش پزشکی انجام می‌شود. علاوه بر این تاکید دارند که به منظور جلوگیری از پرورش طولانی مدت رویان و سوءاستفاده‌های بعدی، آزمایش‌ها فقط بر روی رویان‌هایی که کمتر از ۱۴ روز عمر دارند انجام خواهد شد.

با توجه به مطالب مذکور، به نظر می‌رسد برخلاف شبیه‌سازی مولد که در آن کفه ترازوی دلایل مخالفان به روشنی سنگین‌تر است، در مورد شبیه‌سازی درمانی نمی‌توان به سادگی داوری کرد و به برتری عقیده موافقان یا مخالفان رأی داد. به واقع همین دوگانگی و نبود توافق درخصوص امکان جواز شبیه‌سازی درمانی تبدیل به مهم‌ترین مانع تنظیم یک کنوانسیون بین‌المللی در سازمان ملل متحد در مورد شبیه‌سازی شد. زیرا محل نزاع این بود که آیا کنوانسیون فقط باید شبیه‌سازی مولد انسان را ممنوع کند، یا لازم است تولید جنین انسانی شبیه‌سازی شده به منظورهای درمانی را نیز در برگیرد.

سرانجام، دست نیافتن به اجماع، کمیته ششم را برآن داشت به مجمع عمومی پیشنهاد کند به جای تنظیم کنوانسیون، به تصویب اعلامیه‌ای در مورد شبیه‌سازی انسان قناعت نماید. همان گونه که گفتیم، این اعلامیه در سال ۲۰۰۵ توسط مجمع عمومی سازمان ملل به صورت کلی، مبهم و با قابلیت تفسیرپذیری از هر دو سوی، تصویب شد. بدین معنا که خود اعلامیه به هیچ



وجه صراحتاً اشکال شبیه‌سازی را ممنوع نکرده است و صرفاً دولت‌های عضو را به ممنوعیت تمامی اشکال شبیه‌سازی انسان، تا آن میزان که مغایر با کرامت انسان و حمایت از زندگی اوست، فرا می‌خواند. این طور به نظر می‌رسد که نویسندگان اعلامیه، بدیهی بودن مغایرت شبیه‌سازی مولد با کرامت انسانی را پیش خود و دیگران فرض گرفته و قصد داشته‌اند وظیفه تصمیم‌گیری درخصوص شبیه‌سازی درمانی را به دولت‌ها محول نمایند.

در پایان، باید گفت که سودمندی بالفعل و بالقوه‌ی شبیه‌سازی درمانی به حدی است که می‌تواند بسیاری از معضلات امور درمانی را حل نماید. از این رو نمی‌توان به سادگی و به بهانه‌ی احتمال برخی بهره‌برداری‌های ناروا از آن، مانع از پیشرفت علم و بهره‌مندی جامعه بشری شد. این برآستی، به معنای جواز مطلق استفاده از شبیه‌سازی درمانی نیست. بلکه لازم است استفاده از رویان انسانی که نخستین مراحل تکاملی را طی می‌کند طبق مقرراتی دقیق صورت بگیرد تا از هر گونه سوءاستفاده احتمالی مصون بماند. لازمه این امر، واقع‌گرایی همه دولت‌ها در سطح داخلی برای ممنوعیت صریح شبیه‌سازی مولد و هم‌گرایی و همکاری با یکدیگر برای دستیابی به اجماع جهانی و تنظیم ضمانت‌اجراه‌های کارآمد است تا بتوان امید داشت که شبیه‌سازی مولد انسان در سطح بین‌المللی آشکارا ممنوع و راه‌های سوءاستفاده بسته شوند. به بیان دیگر، با بررسی دقیق علمی-حقوقی، نظام بخشیدن به شبیه‌سازی درمانی به صورت امن و بی‌خطر ممکن خواهد شد. تنها از این طریق می‌توان مانع از سودجویی منفعت‌طلبان شد تا ضمن حفظ کرامت و منزلت بشری، براساس حق بر سلامتی به عنوان یکی از حقوق بشر، برای جامعه انسانی امکان بهره‌مندی از پیشرفت‌های چشمگیر پزشکی را فراهم کرد.

## منابع و مأخذ

### الف- فارسی

۱. زمانی، سیدقاسم، (۱۳۸۵)، «شبیه‌سازی درمانی و حق بر سلامتی در قلمرو حقوق بین‌الملل بشر»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال هشتم، شماره ۱۹.
۲. ضرغام، نصرت‌الله، (۱۳۸۳)، «بیوتکنولوژی در سده بیست و یکم»، تهران کمیسیون بیوتکنولوژی، شورای پژوهش‌های علمی کشور.
۳. موثق، هومن، (۱۳۸۳)، «رویکرد حقوق بین‌الملل به شبیه‌سازی انسان» مجله اطلاع‌رسانی حقوقی، نهاد ریاست جمهوری، شماره ۵.
۴. نگاهی به مبانی اخلاق زیستی قابل دسترسی در: <http://wwwgenetic.mehanblog.com>

### ب- خارجی

#### ب.۱. کتاب

- 1- Abi-Saab, George. (1987), *Cours générale de droit international public*, RCADI, tome 287.

- 2- Jonas, Hans, (1974), **Biological Engineering-A preview, in Philosophical Essays: From Ancient Creed to Technological Man.**
- 3- Pence, Gregory, (1998), **who's Afraid of Human Cloning?** , Rowman and Littlefield Publishers, London.
- 4-Rosenne, Shabtai, (2004), **the Perplexities of Modern International Law**, Martinus Nijhoff Publishers.
- 5- Sur ,Serge,( 2000), **Relations internationales**, 2e édition, Montchrestien, Paris.
- 6-Voneky, silja, and, wolfurm, Rudiger, (2004), **Human Dignity and Human Cloning**, Martinus Nijhoff Publishers.

#### ب.۲. مقاله‌ها

- 1- Arsanjani, Mahnoush, (2006), "Negotiating the UN Declaration on Human cloning", **The American Journal of International Law.**
- 2-Arsanjani, Mahnoush, (2004), "The Negotiations on a Treaty on Cloning: Some Reflections", **Human dignity and Human Cloning.**
- 3-Partan, D.G, United Nations Educational, scientific and Cultural Organization, in: Bernhardt (ed.), **Encyclopedia of Public International Law**, Instalment 5, (1983).
- 4- Roucouas, Emmanuel, (2003), "The Setting of International Standards in Genomics", **Man's Inhumanity to Man Essays on International Law in Honour of Antonio Cassese.**
- 5-Vignes, C-H & Schlenzka, H.J., World Health Organization, in: Bernhardt (ed.), **Encyclopedia of Public International Law**, Instalment 5, (1983).

#### ج- اینترنتی

- 1- A report from the Chief Medical Officer's Expert Group Reviewing the Potential Development In Stem Cell Research And Cell Nuclear Replacement To Benefit Human Health, Department Of Health (UK), at: <http://www.doh.gov.uk/cegc/StemcellReport.htm>.
- 2-"National Bioethics Advisory Commission, Legal and policy Consideration", at: <http://www.bioethics.georgetown.edu>.
- 3- National Legislation Concerning Human Reproductive and Therapeutic Cloning, UNESCO, Paris, 2004. At: <http://www.Unescop.org>.
- 4- National Reference Center for Bioethics Literature, "Human Gene Therapy", 2004.At:<http://bioethics.Georgetown.edu>.
- 5- US Department Of Health and Human Services National Institutes Of Health. Stem Cells: Scientific Progress and Future Research Directions. 2001 at: <http://www.nih.gov/news/stemcell/Scivport.htm>.
- 6-Walters, L, "The United Nations and Human Cloning: a Debate on Human Cloning", 2004. At: <http://www.thehastingscenter.org/pdf/publications/hcr-Jan-Feb-2004>.

#### د) معاهدات و اسناد

- 1- Charter of Fundamental Rights of the European Union, 2000/C364/01
- 2- Cloning in Human Health, Report by the Secretariat Fifty- Second World Health Assembly, A52/12.
- 3- Cloning in Human Health, Report by the Director- General, Fifty- Third world Health Assembly, A53/15.
- 4- Council of Europe, Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of the Human Being with Regard to the Application of Biology and Medicine: Convention on Human Rights and Biomedicine, 1997.
- 5-Council of Europe, Additional Protocol to the Convention for the Protection of Human Rights and .... 1998.

- 6-Directive 98/41/ Ec of the European Parliament and of the European Council, July 1998, on the legal Protection of Biotechnological Inventions, *official Journal*. L 213, 3/7/1998.
- 7- European Parliament, Resolution on Cloning, 12/March/1997.
- 8- European Parliament, Resolution on Human Cloning, 15/January/1998.
- 9- European Parliament, Resolution on Human Cloning, 7/September/2000.
- 10- Ethical, Scientific and Social Implications of Cloning in Human Health, Fifty- First world Assembly, WHA 51.10. At: www.who.com.
- 11- General Assembly Resolution 56/93 adopted on 12 December 2001.
- 12- General Assembly Resolution 59/280 adopted on 8 March 2005( UN Declaration on Human Cloning).
- 13- Human Cloning Ban and Stem Cell Research Protection, Act of 2002, Introduced in senate.
- 14- Human Reproductive Cloning Act 2001.
- 15- International Convention against the Reproductive Cloning of Human Beings of the Sixth Committee, Doc. A/59/516/Add.1, 24/2/2005.
- 16- Protection of the Family, the Right to Marriage and Equality of the Spouses (Art, 23): 27 /07 /90. CCPR General Comment 19.
- 17-Report of the International Bioethics Committee on the Ethical Aspects of Human Embryonic Stem Cell Research: The Use of Embryonic Stem Cells in Therapeutic Research, UNESCO, 2001.
- 18- Report of the Working Group, A/C.6/58/L.9.
- 19- Reproductive Cloning of Human Beings, Status of the Debate in the United Nations General Assembly, Report by the Secretariat, Eb 115, INF. Doc./ 2
- 20- UN Doc. A/C.6/59/L.27/Rev.1.
- 21-Universal Declaration on Bioethics and Human Rights.
- 22- UNESCO: Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights, Paris 1997, Art.10.
- 23- World Health Organization: "Ethical, Scientific and Social Implication Cloning in Human Health", Geneva. 1998.

از این نویسندگان تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

- «قانون ۹۹ - ۱۹۹۳ بلژیک، رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری، صلاحیت کیفری جهانی در بوته آزمون»، سال ۱۳۸۱، شماره ۵۸؛ «جایگاه قاعده منع شکنجه در حقوق بین‌الملل معاصر»، سال ۱۳۸۴، شماره ۷۰. «پویایی حقوق بین‌الملل و پایایی شکنجه»، سال ۱۳۸۷، شماره ۱.
- «چالش‌های حقوق بشری شبیه‌سازی انسان»، سال ۱۳۸۸، شماره ۱.